

دکتر عباس زراعت\*

## بررسی جرم «اهانت به مقدسات اسلام»

چکیده: اهانت به مقدسات اسلام، یکی از عناوین مجرمانه است که در ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی به عنوان یک جرم عمومی پیش‌بینی شده است و می‌توان آن را جزء جرایم دینی و مذهبی دانست زیرا در فصلی بیان شده که عموماً چهره دینی جرم مورد توجه بوده است (فصل دوم از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی). امروزه پرونده‌های کیفری فراوانی در دادگاه‌های انقلاب و مراجع قضائی، به خصوص دادگاه‌هایی که به جرایم سیاسی و مطبوعاتی و جرایم ارتكابی روحانیون رسیدگی می‌کنند، مطرح می‌گردند که متهمان آنها با همین عنوان مجرمانه تحت تعقیب قرار می‌گیرند. اما ابهامات زیادی که در خصوص احکام این جرم وجود دارد کار را بر دادرسان دشوار نموده و نیاز جدی به تحقیق پیرامون جوانب مختلف آن را مبرهن می‌سازد. در این مقاله سعی شده است با تکیه بر روایات و نوشته‌های فقهی، جوانب مختلف جرم اهانت به مقدسات اسلام مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد. مسائلی مانند اینکه آیا مقدسات اسلام شامل مقدسات مذاهب مختلف اسلامی است یا اختصاص به مقدسات مذهب شیعه دارد یا فقط به مقدساتی اطلاق می‌شود که همه مسلمانان آنها را مقدس می‌دانند؟ رابطه جرم اهانت به مقدسات اسلام و جرایمی همچون سب و دشنام به پیامبر و ائمه معصومین و ارتداد چیست؟ آیا جهل به قانون و شبهات موضوعیه تأثیری در مسئولیت کیفری دارد یا خیر؟ و در این زمینه از وضعیت قوانین و مقررات موضوعه نیز غافل نخواهیم ماند.

واژگان کلیدی:

اهانت، مقدسات اسلام، ارتداد، سب النبی، اهانت از طریق مطبوعات، مقدسات کفار، مقدسات

اهل سنت، مقدسات مذهب شیعه، دشنام به ائمه معصومین، اهانت از روی شبهه.

## مقدمه

اهانت یک عنوان مجرمانه کلی است که در ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی پیش بینی شده است و مصادیق فراوانی دارد. اما برخی از مصادیق اهانت به دلیل اهمیتی که دارند به صورت جداگانه یا با عنوان مجرمانه خاصی در قانون پیش‌بینی شده است مانند جرم قذف که جزء جرایم حدی است (ماده ۱۳۹ ق.م.ا)؛ اهانت به مقدسات اسلام یا انبیاء عظام یا ائمه طاهرین یا حضرت صدیقه طاهره (ماده ۵۱۳ ق.م.ا)؛ اهانت به بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری (ماده ۵۱۴ ق.م.ا)؛ اهانت به رئیس‌کشور خارجی یا نماینده سیاسی آن (ماده ۵۱۷ ق.م.ا)؛ اهانت به رؤسای سه قوه و کارمندان دولت (ماده ۶۰۹)؛ اهانت به اطلاق یا زنان در اماکن عمومی یا معابر (ماده ۶۱۹ ق.م.ا)؛ افتراء (ماده ۶۹۷ ق.م.ا)؛ نشر اکاذیب (ماده ۶۹۸ ق.م.ا) و هجو (ماده ۷۰۰ ق.م.ا). برقراری مقررات خاص برای این اهانت‌ها، به جهت شخصیت مجنی علیه یا موضوع اهانت یا الفاظ به کارگرفته شده می‌باشد. بنابراین جز در موارد فوق، جرم اهانت به عنوان یک اهانت ساده تلقی شده که مجازات آن در ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده است: «توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنانچه موجب حد قذف نباشد به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود». البته استثناء شدن جرم قذف در این ماده توجیه مناسبی ندارد زیرا تنها عنوان قذف نیست که از عموم این ماده مستثنی می‌باشد بلکه همه عنوان‌هایی که در بالا مورد اشاره قرار گرفت، جزء مستثنیات هستند و از شمول ماده ۶۰۷ خارج می‌باشند.

یکی از مصادیق استثنا شده از شمول عنوان کلی اهانت مذکور در ماده ۶۰۸، اهانت به مقدسات اسلام است که موضوع بحث این مقاله می‌باشد و علت انتخاب این موضوع آن است که نظام سیاسی ما در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و دینی تحولات اساسی و فراوانی را به خود می‌بیند که اصطلاحاً مردان سیاست آن را اصلاحات نام نهاده‌اند و در این گذر، احزاب و گروه‌های سیاسی به خصوص در جرایم و خطابه‌ها به نقادی دوران گذشته پرداخته و دیدگاه‌های حریف خود را به باد انتقاد

به خود اختصاص داده و چه بسا که بسیاری از این نقادی‌ها از حد اعتدال خارج شده و یا طرف مقابل، آن را «اهانت به مقدسات اسلام» تلقی کند. گروهی بدون غرض‌ورزی و صرفاً با هدف خیرخواهی به مناظره می‌پردازند و تفسیرهای مختلفی از دین ارائه می‌دهند که چه بسا با آنچه که حتی از مسائل اجماعی دین تلقی می‌شود، مغایرت داشته باشد و البته در این مواقع، حریف برای مغلوب ساختن طرف مقابل ممکن است به ناروا اتهام اهانت به مقدسات دینی و نظایر آن را نثار رقیب خود سازد. گروهی نیز ممکن است با مطامع مادی یا سیاسی و یا به قصد مبارزه با ارزش‌های دینی، اهانت‌های ناروایی را متوجه مقدسات دینی نمایند. تشخیص این موارد بر عهده دستگاه قضا است که باید به عنوان نهادی بی‌طرف، سره را از ناسره بازشناسد و از میان غبارهای جناحی و سیاسی، چهره عدالت را نمایان سازد. همچنین وکلای محترم دادگستری که سربازان فداکار عدالت هستند باید با جهد و تلاش خود یار و یاور دادرسان باشند. اما این مهم هرگز جامه عمل نمی‌پوشد مگر اینکه قاضی و وکیل از عناصر عمومی و اختصاصی اتهام، آگاهی کامل داشته باشند که متأسفانه قوانین مدون و نوشته‌های حقوقی آن‌چنانکه شایسته است پرده از این ابهامات برداشته و در این زمینه دچار نقص جدی هستند و در نتیجه کار بر مجریان و مفسران قانون و به‌خصوص این دو قشر شریف دشوارگشته است و چه بسا که واژه مبهم «مقدسات اسلام» دچار تفسیرهای گوناگون و احتمالاً سوءاستفاده‌های ناروا قرار گیرد. در هر حال سعی ما بر آن است که برای آشنایی بیشتر با این جرم و مسائل پیرامون آن کمی به کنکاش نشسته و ابعاد مختلف آن را بررسی کنیم.

### عنصر قانونی

قبل از اینکه به بررسی این جرم بپردازیم، لازم است عنصر قانونی آن را در قوانین موضوعه یادآور شویم. مهم‌ترین مستند قانونی این جرم، ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی می‌باشد که برای اولین بار این جرم را وارد قانون مجازات اسلامی کرد، درحالی که قانون مجازات عمومی و قانون تعزیرات سال ۱۳۶۲ اشاره‌ای این جرم نداشتند.

این ماده مقتضای داد: «هر کس به مقدسات اسلام و با هر یک از انشاء عطاء با ائمه

باشد اعدام می‌شود و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد.»

اما از آنجا که نحوه ارتکاب آن بیشتر از طریق مطبوعات و توسط اهل قلم صورت می‌گیرد، قوانین مطبوعات همواره به این جرم توجه داشته و مقرراتی را در مورد آن بیان کرده‌اند که اهم آنها عبارت است از:

ماده واحده مصوب ۱۳۲۷/۱۲/۱۲ قانون اصلاح قانون مطبوعات: «الف - هرگاه در روزنامه یا هر نشریه دیگر به پادشاه یا اعضای خانواده سلطنتی (پدر - مادر - ملکه - اولاد - برادر - خواهر پادشاه) و یا به اساس دین اسلام و اصول احکام آن و مقام مقدس انبیاء ائمه اطهار اهانت و هتک حرمت شود... فوراً به ضبط اوراق منتشره و توقیف مرتکب اقدام و ظرف ۲۴ ساعت پرونده را نزد دادستان ارسال و دادستان فوراً به دادگاه صلاحیت‌دار بفرستد.»

ماده ۱۳ قانون مطبوعات ۱۳۳۴: «هرکس مقاله‌ای مضر به اساس دین حنیف اسلام انتشار دهد به یک سال تا سه سال حبس تأدیبی محکوم می‌شود»؛ ماده ۱۷ قانون مطبوعات ۱۳۳۱ نیز همین جرم را بیان کرده بود.

ماده ۲۰ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۵۸: «هرکس به وسیله مطبوعات به دین مبین اسلام و مقدسات آن یا سایر مذاهب رسمی کشور اهانت کند به شش ماه تا ۲ سال حبس جنحه‌ای محکوم می‌شود.»

ماده ۶ قانون مطبوعات ۱۳۶۴ (اصلاحی ۷۹): «نشریات جز در موارد اخلال به مبانی و احکام اسلامی و حقوق عمومی و خصوصی که در این فصل مشخص می‌شوند آزادند:

۱....

۷. اهانت به دین مبین اسلام و مقدسات آن.»

ماده ۲۶ قانون مطبوعات ۱۳۶۴ (اصلاحی ۷۹): «هرکس به وسیله مطبوعات به دین مبین اسلام و مقدسات آن اهانت کند، در صورتی که به ارتداد منجر شود حکم ارتداد در

## واژه‌شناسی

واژه‌های «اهانت» و «مقدسات اسلامی» که عنوان مجرمانه جرم موضوع بحث را تشکیل می‌دهند نیاز به توضیح دارند. البته واژه اهانت در اینجا هم تابع بسیاری از قواعد اهانت ساده است اما واژه «مقدسات اسلامی» که به صورت مطلق در ماده ۵۱۳ بیان شده است نیاز به توضیح بیشتری دارد که مناسب است مقداری از بحث به آن اختصاص داده شود.

**الف) معنای اهانت؛** اهانت یا توهین، واژه‌ای عربی است که از ریشه «وهن» به معنای سستی گرفته شده است<sup>(۱)</sup>. پس اهانت به معنای سست کردن می‌باشد و معنای حقوقی این واژه نیز با معنای لغوی آن سازگاری دارد و اصطلاحاً به سست گردانیدن و تحقیر وجود معنوی و حیثیت مجنی علیه گفته می‌شود و در اینجا اهانت به معنای آن است که یکی از شخصیت‌ها یا اشیاء یا اعتقادات مورد احترام دین اسلام تحقیر شود. برای تشخیص اینکه گفتار یا کرداری موجب اهانت شده است یا خیر، در اینجا هم باید به ملاک‌های عرفی مراجعه کرد و عرف در اینجا راهنمای قاضی خواهد بود. در مورد اینکه اهانت تنها با فعل مادی مثبت محقق می‌شود<sup>(۲)</sup> یا با ترک فعل نیز قابل تحقق است<sup>(۳)</sup> اختلاف نظر وجود دارد که احتمال دوم قوی‌تر به نظر می‌رسد<sup>(۴)</sup>. توهین ممکن است در قالب لفظ یا فعل باشد و توهین لفظی متداول‌تر است و نمونه بارز آن فحاشی و به‌کار بردن الفاظ رکیک می‌باشد.

اما به رغم این مشترکات، توهین به مقدسات اسلامی، در برخی مقررات نیز تابع ویژگی‌های خاصی است. مثلاً برخلاف توهین ساده که فقط توهین به افراد می‌باشد در اینجا مخاطب توهین‌کننده ممکن است ذات اقدس الهی، اشیاء و اماکن مقدس، زمان‌های مقدس و اعتقادات مقدس باشد. از نظر عرفی، توهین ساده به مردگان را جز در موارد خاص نمی‌توان تعقیب کیفری نمود اما در توهین به مقدسات، اشخاص مرده نیز موضوع جرم قرار می‌گیرند. توهین به مقدسات برخلاف توهین ساده جرمی قابل گذشت نیست و تعقیب آن هم نیازی به شکایت شاکی خصوصی ندارد و...

(ب) معنای مقدسات اسلام؛ مقدسات جمع مقدسه است و مقدس به معنای پاک،

تقدیس قرار گیرد، آمده است (۵).

در اینجا هم مقدس، معنای لغوی خود را دارد و از این جهت اختلافی وجود ندارد. اما در مورد اینکه معنای مطلق آن مراد است تا شامل هر چیزی شود که مورد احترام است یا فقط به چیزهایی گفته می‌شود که از ارزش و احترام زیادی برخوردار هستند، اختلاف نظر وجود دارد. در قوانین موضوعه، واژه مقدس برای موضوعات مختلفی به کار رفته است، مانند ساحت مقدس روحانیت (مقدمه قانون اساسی)، اماکن مقدسه (ماده ۴۶ قانون تعزیرات ۱۳۶۲)، مقام مقدس انبیاء و ائمه اطهار (ماده واحده قانون اصلاح قانون مطبوعات مصوب ۱۳۲۷)، مقدسات اسلامی (ماده ۲۰ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵)، لباس مقدس روحانیت (ماده ۲۳ قانون بازسازی نیروی انسانی وزارتخانه‌ها)، اهداف مقدس انقلاب اسلامی (ماده واحده قانون اجرای طرح نظام و تشکیلات اداری جمهوری اسلامی به مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۰)، دفاع مقدس (قانون نحوه واگذاری سهام دولتی و متعلق به دولت به ایثارگران)، اهداف مقدس جمهوری اسلامی ایران (ماده ۴۷ قانون مقررات استخدامی نیروی انتظامی) و... این امور گرچه دارای احترام زیادی هستند و واژه مقدس نیز در مورد آنها به کار رفته است، اما اهانت به آنها را نمی‌توان اهانت به مقدسات اسلام محسوب کرد. مثلاً اهانت به نظام مقدس جمهوری اسلامی، یا اهانت به دفاع مقدس یا اهانت به برخی اماکن مقدسه و نظایر اینها اهانت به مقدسات اسلامی تلقی نمی‌شود (۶).

در نوشته‌های فقهی و حقوقی به ندرت تعریف جامعی از مقدسات اسلامی ارائه گردیده و بیشتر به مصادیق آن پرداخته می‌شود. تعریفی که یکی از حقوقدانان برای این واژه ارائه کرده است، چنین می‌باشد: «منظور از مقدسات اسلامی در درجه اول ذات باری تعالی و پس از آن همه مکان‌ها، چیزها و اشخاصی هستند که از لحاظ موازین دین اسلام، مقدس و قابل احترام محسوب می‌شوند، مثل قرآن کریم، کعبه، مزار پیامبر و امامان (ع) و یا شخصیت‌های مورد احترام سایر مذاهب که از نظر اسلام هم واجب‌التعظیم هستند، مثلاً حضرت مریم یا هاجر یا شخصیت‌های اسلامی مثل

از نظر موازین دین اسلام قابل احترام باشد اما می‌دانیم که بسیاری از چیزها از نظر اسلام قابل احترام می‌باشد اما اهانت به آنها مشمول عنوان «اهانت به مقدسات اسلام» نیست، مثلاً احترام به پدر و مادر، احترام به معلم، احترام به بزرگتر و... از واجبات دینی می‌باشد که بر احترام به آنها تأکید شده است ولی اهانت به ایشان را نمی‌توان اهانت به مقدسات اسلام تلقی کرد. برای آشنایی بیشتر با مقدسات اسلامی لازم است به چند نکته توجه شود:

اولاً اهانت به آنچه که مورد احترام دین مبین اسلام است در صورتی مشمول اهانت به مقدسات اسلامی می‌شود که با عنوان خاصی در قانون پیش‌بینی نشده باشد، مانند سب‌النبی که مجازات خاصی دارد یا زنا در زمان‌های متبرکه مانند اعیاد مذهبی و رمضان و جمعه و مکان‌های شریف مانند مساجد که هتک حرمت آنها به موجب ماده ۱۰۶ قانون مجازات اسلامی، مستوجب تعزیر می‌باشد.

ثانیاً، احترام به امر مقدس باید به گونه‌ای باشد که اهانت به آن مستلزم اهانت به اسلام باشد، مثلاً آبرو و حیثیت مؤمن از نظر اسلام دارای ارزش و احترام زیادی است اما هتک حرمت مؤمن به معنای آن نیست که اسلام نیز مورد هتک حرمت قرار گرفته است. همچنین بسیاری از جرایم از نظر شرعی نیز حرام و ممنوع هستند. بنابراین اگر شخصی مرتکب جرمی شود عملاً محرمات شرعی را نیز انجام داده و دستورات شرعی را سبک شمرده است، اما هرگز عمل او اهانت به مقدسات اسلامی محسوب نمی‌شود.

ثالثاً، مقدس بودن آن چیز که مورد قبول همه مسلمانان یا مشهور آنان باشد، مثلاً لزوم اجازه ولی برای ازدواج دختر باکره رشیده را مشهور فقها قبول ندارند و در نتیجه اگر شخصی به سنت متداول مسلمانان اهانت کند، اهانت به مقدسات اسلام محسوب نمی‌شود اما احترام به قرآن مورد قبول تمامی مسلمانان است.

رابعاً، مقدس بودن آن چیز در درجه‌ای از اهمیت باشد که اهانت به آن، اهانت به اساس اسلام و ارزش‌های مسلم اسلامی تلقی شود، مثلاً قبور مؤمنین از نظر اسلام مقدس است اما اهانت به این قبور را نمی‌توان اهانت به مقدسات دانست.

سنت‌های عرفی یا اجتماعی یا اخلاقی باشد که مورد احترام دین اسلام نیز قرار گرفته است مثلاً لباس عربی از آن جهت به عنوان لباس رسمی عالمان دینی درآمده است که رهبران دینی عرب بوده‌اند بنابراین لباس عربی فی نفسه، مقدس نیست تا اهانت به آن، اهانت به مقدسات اسلامی محسوب شود و اگر هم این لباس بر تن یک روحانی، مقدس باشد، مقدس بودن خود را از صاحب لباس می‌گیرد و در حقیقت به شخصیت وی اهانت شده است. به علاوه، ظاهراً فقط علمای شیعه چنین لباسی را می‌پوشند نه تمامی علمای اسلام در تمام مذاهب اسلامی و کشورهای مسلمان.

سادساً، میان دین و آنچه که از دین فهمیده می‌شود باید تفکیک کرد. قرآن و سنت پیامبر، دین هستند اما تفسیر قرآن و روایت، فهم عالمان دینی از دین است و آنچه که از دین فهمیده می‌شود لزوماً دارای تقدس نیست، حتی اگر تمام فقها یا مشهور آنان بر آن اتفاق نظر داشته باشند، مثلاً اینکه مسافر باید نماز خود را شکسته بخواند یا مرتد باید کشته شود یا هزاران مسأله دیگر که در کتاب‌های فقهی به عنوان مسلمات به حساب می‌آیند، برداشت دین می‌باشد که در حیطه دانش بشری قرار می‌گیرد. بنابراین در «مسأله مقدسات اسلام» باید حساب این احکام فقهی، یا کلامی یا فلسفی را از اصل دین جدا کرد و نقد و بررسی و حتی اهانت به آنها را به منزله اهانت به مقدسات اسلام ندانست مگر اینکه در حد ضروریات دین و مذهب باشد. البته تفکیک مرز دین و معارف دینی در بسیاری موارد کار آسانی نیست و به نظر می‌رسد در موارد شبهه نیز باید حکم به مقدس نبودن آنها کرد زیرا به حکم روایت مشهور پیامبر (ص) که اصطلاحاً قاعده «درأ» نامیده می‌شود در موارد شبهه، حکم به سقوط مجازات ترجیح دارد.

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان در تعریف مقدسات اسلام چنین گفت: «مقدسات اسلام به اشخاص، اشیاء و اموری گفته می‌شود که جزء ارکان یا ضروریات دین اسلام بوده و انکار آنها مستلزم انکار دین اسلام و اهانت به آنها مستلزم اهانت به اساس دین اسلام باشد.» در این صورت مفهوم مقدسات اسلامی بسیار محدود گردیده و به مصادیق خاصی منحصر خواهد شد و به هر چیزی که مورد احترام اسلام باشد عنوان «مقدسات اسلام» اطلاق نمی‌گردد.



## عنصر معنوی

اهانت نیز همچون سایر جرایم عمومی نیاز به سوءنیت و تعمد در عمل دارد و علاوه بر قصد آگاهانه نقض قانون جزاء هدف تحقیر هم به عنوان سوءنیت خاص، شرط تحقق جرم می‌باشد (۸). در اینجا هم قصد تحقیر و مسخره کردن و کوچک شمردن مقدسات اسلامی باید وجود داشته باشد و گرنه صرف آگاهی از مجرمانه بودن عمل کافی نیست. اما در خصوص عنصر معنوی اهانت به مقدسات دینی علاوه بر آنچه که در مورد جرم اهانت ساده مطرح است، باید به نکات زیر نیز توجه داشت:

**تحقق تحقیر در خارج:** جرم اهانت به مقدسات از نظر عنصر معنوی، جرمی مقید است یعنی باید قصد نقض قانون و قصد تحقیر کردن مقدسات وجود داشته باشد. بنابراین کسی که فاقد اراده است مسئولیتی ندارد، اما از نظر عنصر مادی یک احتمال آن است که همچون اهانت ساده، جرمی مطلق باشد، یعنی تحقق آن منوط به وقوع تحقیر در عالم خارج نباشد، به خصوص اینکه مقدسات اسلام چیزی نیست که با اهانت یک یا چند نفر تحقیر شود. احتمال دیگر آن است که در اینجا جرمی مقید باشد یعنی تا آنچه که مورد اهانت قرار گرفته است در دید مردم تحقیر نشود جرمی محقق نخواهد شد. به نظر می‌رسد احتمال دوم منطقی‌تر باشد اما با این توضیح که اهانت در هر صورت موجب هتک حیثیت مقدسات اسلام می‌شود، یعنی لازمه اهانت به مقدسات، هتک حیثیت آنهاست و هتک حیثیت در اینجا به معنای آن نیست که مقدسات اسلامی حالت تقدس و اعتبار خود را از دست بدهند، بلکه آلوده کردن ساحت آنها مورد نظر است که با اهانت، این آلوده کردن خود به خود محقق می‌شود. تفسیر دیگری که در این زمینه می‌توان ارائه داد آن است که هتک حیثیت در دیدگاه مرتکب جرم، در نظر می‌باشد یعنی همین که شخصی به مقدسات اسلامی اهانت می‌کند معنایش آن است که مقدسات دینی در نظر او بی‌ارزش و موهون گردیده است. بنابراین در هر صورت با اهانت به مقدسات، تحقیر آنها صورت می‌گیرد و به عبارت دیگر، این نتیجه را باید مفروض و مسلم دانست و نیاز به اثبات هم ندارد. قرینه دیگری که این احتمال را تأیید می‌کند آن است که در جرایم دینی و گناهان شرعی، قانون‌گذار اسلامی به نفس تجری هم اهمیت

می‌دانند (۹).

اهانت به مقدسات از روی غضب: اهانت ساده چنانچه از روی غضب صورت گرفته باشد دادگاه ممکن است به استناد ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی، مجازات متهم را تخفیف دهد و در مورد اهانت به مقدسات به نظر می‌رسد که باید میان غضبی که منجر به سلب اراده می‌شود و غضبی که به این حد نمی‌رسد تفکیک نمود. علی بن عطیه روایت کرده است که نزد امام صادق (ع) بودم، شخصی که از او در مورد کسی سؤال کرد که از روی غضب مرتکب عملی می‌شود. آیا خداوند او را مواخذه می‌کند؟ امام فرمود: «خداوند بخشنده‌تر از آن است که بر بنده خود این چنین سختگیری کند.» (۱۰) این روایت را فقها در مورد اهانت به مقدسات نیز به کار برده‌اند اما آن را مقید به صورتی کرده‌اند که اراده مرتکب سلب شود (۱۱). بنابراین اگر شخصی از روی غضب و ناراحتی به مقدسات اسلامی اهانت کند و دارای اراده باشد باز هم قابل تعقیب خواهد بود.

*اهانت از روی شبهه:* اهانت به مقدسات اسلامی ممکن است با انگیزه‌های مختلفی صورت گیرد مثلاً به قصد دشمنی با اسلام یا به قصد مسخره کردن دین اسلام باشد و گاهی مرتکب با اعتقاد به آنچه که می‌گوید یا انجام می‌دهد، چنین فعلی را انجام داده یا سخنی را می‌گوید، مثلاً اعتقاد دارد که قرآن موجود همان قرآنی نیست که بر پیامبر نازل شده است بنابراین آن را می‌سوزاند. آیا در صورت اخیر هم مجازات اهانت‌کننده مانند صورتهای قبلی است؟ اصولاً انگیزه ارتکاب جرم تأثیری در مسئولیت کیفری ندارد، مگر در مواردی که به صورت استثنا بیان شده باشد. اما در اینجا نمی‌توان گفت که مرتکب صرفاً به انگیزه دفاع از معتقدات خود به مقدسات دینی اهانت می‌کند، بلکه این مورد از موارد شبهه می‌باشد. اگر این مورد را با موارد مشابهی که فقها بیان کرده‌اند مقایسه کنیم، دو احتمال را می‌توان مطرح کرد. یک احتمال آن است که صرف وقوع عنصر مادی جرم برای تحقق آن کفایت می‌کند و در مورد عنصر معنوی نیز همین که مرتکب بداند که بیان چنین شبهاتی، اهانت به مقدسات محسوب می‌شود کفایت می‌کند. مرحوم محقق نجفی این نظریه را در مورد ارتداد پذیرفته است: «اطلاق بسیاری از روایات مقتضی آن است که هر کس ضروری دین را انکار کند کافر باشد و لازم نیست

برخی از فقها نبودن شبهه را شرط می‌دانند (۱۳). بنابراین اگر مرتکب گمان می‌کند آنچه که می‌گوید یا عملی که انجام می‌دهد اهانت به مقدسات نیست یا جاهل به آن باشد نمی‌توان او را به عنوان اهانت به مقدسات اسلام تعقیب کرد. این نظریه با قواعد حقوقی نیز سازگار است، زیرا جهلی که در اینجا وجود دارد جهل موضوعی است و جهل موضوعی را بیشتر فقها رافع مسئولیت کیفری می‌دانند به خصوص اینکه جرم اهانت نیازمند سوءنیت خاص است که همان قصد تحقیر می‌باشد حال آنکه چنین قصدی در اینجا وجود ندارد. یک نظریه تفصیلی هم می‌توان در اینجا ارائه داد بدین صورت که هرگاه مرتکب دچار شبهه شده باشد به او فرصت کافی داده می‌شود تا به تحقیق بپردازد، چنانچه در این فرصت از اعتقادات خود دست بکشد تحت تعقیب و مجازات قرار نمی‌گیرد و گرنه می‌توان او را مجازات کرد. اشکالی که بر این نظریه وارد است این است که متهم ممکن است پس از تحقیقات نیز کماکان بر اعتقاد خود باقی باشد و در این صورت عامل شبهه کماکان وجود دارد و اگر شبهه، رافع مسئولیت کیفری باشد در اینجا هم رافع مسئولیت خواهد بود.

**داشتن اعتقاد باطل:** ممکن است شخصی اعتقاد باطل داشته باشد و حتی به صورت کلی نیز بیان کند که بسیاری از اعتقادات اسلامی را قبول ندارد. اما صرف داشتن چنین عقیده‌ای را نمی‌توان اهانت به مقدسات اسلامی تلقی کرد، بلکه باید در خارج، فعل یا لفظی نیز تحقق پیدا کرده باشد که موجب هتک اعتبار معنوی مقدسات اسلامی شود. اصل ۲۳ قانون اساسی را می‌توان قرینه‌ای برای تأیید این ادعا دانست «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد.»

### اهانت منجر به ارتداد

ماده ۲۶ قانون مطبوعات، اهانت به مقدسات اسلام را در صورتی مشمول مجازات تعزیری می‌داند که منجر به ارتداد نشده باشد. بنابراین در مورد چنین اهانتی نیز لازم است کمی بحث کنیم تا تشخیص آن از اهانت به مقدسات اسلام در معنای عام آن آسان

مختلفی صورت می‌گیرد و بسیاری از این الفاظ و افعال مورد اختلاف است و فقها در مورد اهانت محض به مقدسات بودن یا ارتداد تلقی کردن آنها اتفاق نظر ندارند که در زیر به مهم‌ترین موارد اشاره می‌کنیم. اما قبل از آن باید این نکته را متذکر شویم که اهانت منجر به ارتداد فقط از سوی مسلمانان قابل تحقق است، یعنی مرتکب در حین ارتکاب عمل باید بر دین اسلام باشد.

**انکار ضروری دین:** اگر کسی ضروری دین را انکار کند مرتد است، و این نظریه را بیشتر فقها قبول دارند (۱۴). اما در مورد اینکه مصادیق ضروری دین چیست اختلاف نظر وجود دارد. دکتر جعفری لنگرودی، ضروری دین را چنین تعریف می‌کند: «آنچه که جمیع فرق اسلامی آن را جزء مسائل دین اسلام دانسته‌اند مانند احترام به مالکیت خصوصی و توحید و نبوت.» (۱۵) یکی از مواردی که به عنوان مصداق ضروری دین شناخته شده است وجوب نماز و روزه می‌باشد. بنابراین اگر مسلمانی، وجوب نماز و روزه را انکار کند، مرتد است و صرفاً به مجازات اهانت به مقدسات دینی محکوم نمی‌شود. برید عجلی گوید از امام باقر (ع) در مورد شخصی سؤال شد که شاهدان در مورد روزه‌خواری او شهادت داده بودند. اما فرمود «از او سؤال می‌شود که آیا روزه خوردن را حرام می‌دانی؟ اگر پاسخ مثبت بدهد کشته می‌شود اما اگر پاسخ منفی بدهد اما او را تعزیر می‌کند.» (۱۶) بعثت پیامبر، اصول دین، نبوت پیامبرانی که دین اسلام آنها را به رسمیت شناخته است، آیات قرآن و وحدانیت خدا را از مصادیق ضروری دین به حساب آورده‌اند.

**انکار ضروری مذهب:** مرحوم محقق نجفی گفته است که اگر شیعه، ضروریات مذهب خود را انکار کند مرتد محسوب می‌شود هر چند آنچه را انکار می‌کند جزء ضروریات اسلام نباشد مانند اینکه امامت یکی از امامان یا مسأله متعد را انکار کند (۱۷). این گروه نیز به روایت‌های شرعی استناد می‌کنند مانند روایت محمد ابن مسلم که از امام محمد باقر (ع) در مورد شخصی سؤال می‌کند که یکی از امامان شیعه را انکار می‌نماید و امام در پاسخ می‌فرماید: «هر کس یکی از امامان شیعه را انکار کند و از او و دینش براثت بجوید خونش در آن حالت مباح است مگر اینکه برگردد یا به سوی خدا به خاطر

**انکار صداقت پیامبر:** اگر مسلمانی شک کند که پیامبر در ادعای پیامبری خود صداقت داشته است یا خیر و فضیلت پیامبر بر سایر مردم را انکار کند، گروهی از فقها مانند شهید ثانی در کتاب مسالک و محقق اردبیلی حکم به قتل او داده‌اند و گروهی نیز این عمل را مصداق ارتداد دانسته‌اند (۱۹). این گروه به روایت‌های شرعی استناد کرده‌اند، مانند روایت ابن سنان از امام صادق (ع) که فرمود: «هر کس در خدا و رسول او شک کند کافر است» (۲۰) و یا روایت دیگری که می‌گوید حارث به امام (ع) عرض کرد اگر شخصی نزد پیامبر (ص) بیاید و به او بگوید به خدا قسم نمی‌دانم که تو پیامبر هستی، آیا از او قبول می‌شود یا خیر؟ امام فرمود: «از او پذیرفته نمی‌شود بلکه او را می‌کشد.» (۲۱)

در روایتی انکار فضیلت‌های پیامبر اسلام بر مردم دیگر نیز از مصادیق ارتداد محسوب شده است اما فقها به آن عمل نکرده‌اند. در این روایت آمده است که امام صادق (ع) فرمود، «عبدالعزیز بن عمر مرا خواند. وقتی نزد او رفتم، دیدم که دو نفر پیش او هستند که یکی از آنها دیگری را مصدوم کرده است. از من سؤال کرد حکم این دو نفر چیست؟ گفتم: چه چیزی گفته‌اند؟ عمر گفت: یکی از دو نفر گفته است پیامبر بر هیچ یک از بنی‌امیه در حسب برتری ندارد و دیگری گفته است که پیامبر بر همه مردم در همه نیکی‌ها برتری دارد و حامی پیامبر ناراحت شده و دیگری را مصدوم کرده است. به او گفتم: کسی که گمان می‌کند یکی از مردم مانند پیامبر است حکمش قتل می‌باشد.» (۲۲)

مسخره کردن دین: مسخره کردن و اهانت به ارزش‌های دینی را برخی از فقها چنانچه از سوی مرتکب مسلمان باشد، از مصادیق ارتداد دانسته‌اند: «هر فعلی که صراحتاً بر مسخره کردن دین و اهانت به آن و دست کشیدن از آن دلالت کند موجب ارتداد است مانند انداختن قرآن در نجاست و پاره کردن و لگد مال نمودن و نجس کردن کعبه یا ضریح‌های مقدس با نجاست، یا سجده بر بت و عبادت خورشید و نظایر اینها.» (۲۳)

**قول به جبر و تفویض:** جبریه به کسانی می‌گویند که معتقدند انسان در کارهای خود، اختیاری ندارد و کارهای وی به دست خداست و در مقابل این گروه تفویضیه هستند که اعتقاد دارند خداوند کارهای خود را به مردم تفویض کرده است. گروهی از فقها، این دو

کارهای ما را انجام می دهد سپس ما را عذاب می کند قائل به جبر شده است و هر کس گمان کند خداوند کار خلق و روزی را به حجت های خود واگذار کرده قائل به تفویض شده است و کسی که قائل به جبر باشد کافر است و کسی که قائل به تفویض باشد مشرک می باشد. (۲۴)

**اهانت منجر به سب النبی:** ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی، اهانت به مقدسات اسلامی را در صورتی مشمول مجازات حبس می داند که مشمول حکم سب النبی نباشد. بنابراین لازم است بدانیم اهانت به کدام یک از مقدسات اسلامی مشمول عنوان «سب النبی» است. سب به معنای ناسزا گفتن و دشنام دادن است و نبی هم گرچه مطلق است و شامل همه انبیاء می شود اما با توجه به قرینه های خارجی، منصرف به نبی مکرم اسلام می باشد. بنابراین سب نبی از نظر لغوی به معنای دشنام دادن به پیامبر اسلام (ص) می باشد. اما در کتاب های فقهی به این معنای لغوی اکتفا نشده و دامنه آن توسعه پیدا کرده است. در برخی روایات آمده است که سب نبی منحصر در پیامبر اسلام نیست مانند روایت پیامبر (ص) که فرمود، «هر کس پیامبر را دشنام دهد کشته می شود.» (۲۵) اما روایت دیگری هم از حضرت علی (مقدسات اسلامی) برخلاف آن وجود دارد: «شخصی را که بگوید حضرت داود با زنی مجامعت کرده است محکوم به صد و شصت ضربه شلاق می کنم حدی برای اسلام و حدی برای نبوت.» (۲۶) به همین دلیل فقها در این زمینه اختلاف نظر پیدا کرده اند؛ گروهی پیامبران دیگر را نیز در حکم پیامبر اسلام دانسته اند، (۲۷) و گروهی در آن مناقشه کرده اند هر چند این عمل را از مصادیق ارتداد دانسته اند (۲۸).

بیشتر فقها دشنام به حضرت زهرا (ع) را نیز از مصادیق سب النبی می دانند و گروهی نیز آن را منحصر در قذف وی دانسته اند، مگر اینکه دشنام به ایشان منجر به دشنام به پیامبر گردد. اما در مورد دشنام به مادر و همسر و فرزندان پیامبر، اختلاف نظر وجود دارد و به علامه حلی نسبت داده شده است که اعتقاد به این تسری دارد (۲۹).

در مورد الحاق سب یکی از امامان معصوم (ع) به سب پیامبر (ص) نیز اتفاق نظر وجود دارد و در این مورد روایات فراوانی نیز در دست است مانند روایت عامری که

برائت می‌جوید. امام فرمود: به خدا قسم خون او حلال است و هزار نفر آنها در مقابل یک نفر از شما ارزش ندارد.» (۳۰)

البته روایت‌های مخالفی هم وجود دارد که فقها آنها را حمل بر تقیه کرده‌اند.

### دین مرتکب

در اهانتی که منجر به ارتداد می‌شود بدون شک، دین مرتکب تأثیر دارد، یعنی مرتکب حتماً باید مسلمان باشد و عمل یا سخن او سبب بازگشت وی از دین اسلام باشد. اما هرگاه اهانت به مقدسات اسلام به این حد نرسد، آیا دین مرتکب تأثیری دارد یا خیر؟ همچنین دین اسلام، دارای مذاهب مختلفی است که برخی مسائل و احکام یکدیگر را قبول ندارند، مثلاً فردی که سنی مذهب است، امامت امامان شیعه را انکار می‌کند. حال اگر چنین شخصی به امامان شیعه اهانت کند، آیا مستوجب تعقیب کیفری است؟ و بالعکس شیعیان بسیاری از اعتقادات اهل سنت را انکار می‌کنند مثلاً خلافت خلفای راشدین را نمی‌پذیرند پس اهانت شخصی که دارای مذهب شیعه است به یکی از خلفای راشدین که از دیدگاه فقهای اهل سنت از انسانهای مقدس به شمار می‌روند آیا قابل تعقیب کیفری می‌باشد؟ همانگونه که در مورد کافران این سوال مطرح است که اگر کافری که اعتقاد به احکام اسلامی ندارد به آنها اهانت نماید قابل تعقیب می‌باشد یا خیر؟ مثلاً یک مسیحی به روزه گرفتن که نزد مسلمانان از مسائل ضروری و مقدس می‌باشد اعتقاد ندارد حال اگر به این امر مقدس اهانت کند باید تعقیب و مجازات شود؟ برای پاسخ به این سؤال باید میان صورت‌های مختلف، تفصیل داد و حکم هر مورد را جداگانه بررسی کرد.

مقدسات مذهب شیعه: ظاهراً مقدسات شیعه از مصادیق متیقن مقدسات اسلامی است. بنابراین اهانت به این مقدسات از سوی هر کس که صورت بگیرد جرم است، چه مسلمان باشد، چه کافر، چه شیعه باشد و چه غیر شیعه. دلیل این مدعا آن است که گرچه ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی واژه «مقدسات اسلام» را به صورت مطلق به کار برده است اما اصل دوازده قانون اساسی مقرر می‌دارد: «دین رسمی ایران، اسلام و مذهب

تفسیر شده است. بنابراین هر جا در قوانین موضوعه، این واژه به صورت مطلق به کار رود منصرف به مذهب شیعه خواهد بود. کسانی که در قلمرو جمهوری اسلامی ایران زندگی می‌کنند موظف هستند به قوانین کیفری پای‌بند باشند و از ارتکاب جرایم پرهیز کنند و در این زمینه تفاوتی میان کافر و مسلمان، شیعه یا سنی نیست. این ادعا در صورتی کامل است که انحصار مقدسات اسلامی در مقدسات مذهب شیعه، محرز و مسلم باشد، اما با توجه به توضیحاتی که در ادامه می‌آید چنین انحصاری محل تامل است و حتی قرینه‌های محکمی برخلاف آن وجود دارد.

**مقدسات مذاهب اهل سنت:** اصل دوازدهم قانون اساسی پس از آنکه مذهب شیعه را مذهب رسمی ایران اعلام می‌کند، چنین ادامه می‌دهد: «مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می‌باشند...». اگر مقدسات را به امور محترم تفسیر کنیم به موجب این اصل، اعتقادات و احکام مذاهب دیگر نیز محترم هستند بنابراین اهانت به آنها اهانت به مقدسات اسلام محسوب می‌شود. اما بعید به نظر می‌رسد که مقدسات اسلامی را بتوان شامل مقدسات انحصاری اهل سنت دانست: «مقدسات اسلام، مذهب شیعه و مذاهب سنی اعم از حنفی، مالکی و حنبلی را شامل می‌شود.» (۳۱)

**مقدسات کفار:** دین اسلام به برخی از اعتقادات و احکام مورد قبول کافران کتابی احترام می‌گذارد و قرآن مجید نیز بسیاری از آنها را تقدیس کرده است و در ماده ۵۱۳ نیز عبارت «هر یک از انبیاء عظام» بر این مطلب صحه می‌گذارد. به نظر می‌رسد آنچه که مربوط به مذاهب دیگر است اما اسلام آنها را جزء امور مقدس می‌داند مشمول ماده ۵۱۳ خواهد بود و نباید این موضوع را منحصر در پیامبران آنها نمود، مشروط بر اینکه اهانت به آنها، مستلزم اهانت به مقدسات اسلامی نیز بشود. علت اینکه اهانت به چنین مقدساتی، جرم محسوب می‌شود آن است که نتیجه اهانت به این مقدسات، اهانت به خدا و دین اوست و ادیان قبلی هم در زمان خود مقدس و معتبر بوده‌اند. پس از این جهت تفاوتی میان اهانت به مقدسات اسلامی و غیراسلامی وجود ندارد، اما در مورد اموری که در زمان خود مقدس بوده و اکنون منسوخ شده‌اند و باز هم مورد عمل قرار



است ضمن تفسیر مضیق قانون، آنها را مشمول این ماده ندانیم. مثلاً اگر مسلمانی با نجس کردن کلیسا به آن اهانت نماید توهین به مقدسات اسلامی محسوب نمی‌شود زیرا کلیسا و عبادت در آن از دیدگاه اسلامی، در حال حاضر امری مقدس نمی‌باشد.

البته این جرم به صورت جرم خاص در ماده ۲۳ قانون مطبوعات ۱۳۳۴ پیش‌بینی شده بود: «هرکس به وسیله مطبوعات به اقلیت‌های مذهبی مصرح در قانون اساسی یا نژادهای ساکن ایران برای تولید نفاق و اختلاف و یا بغض و کینه میان سکنه مملکت اهانت نماید و یا آنان را به ایجاد دشمنی و نفاق نژادی و یا مذهبی تحریص کند به یک ماه تا شش ماه حبس تأدیبی و یا پرداخت پانصد تا پنج هزار ریال غرامت محکوم خواهد شد.»

**مقدسات دین اسلام:** احتمال دیگری که در اینجا مطرح می‌شود آن است که منظور از مقدسات اسلام، اموری باشد که تمامی مذاهب اسلامی در مقدس بودن آن اتفاق نظر داشته باشند، مانند ذات اقدس الهی، وحدانیت خدا، قرآن مجید، پیامبر و... بنابراین اموری که مقدس بودن آنها مورد اختلاف مذاهب متعدد است مشمول ماده ۵۱۳ نمی‌شود. قرینه‌ای که برای این مطلب وجود دارد آن است که ماده ۵۱۳ پس از به کار بردن این واژه، دو مورد از مقدسات اختصاصی مذهب شیعه را به صورت خاص بیان کرده است و آن اهانت به ائمه طاهرین و حضرت صدیقه طاهره است. بنابراین در مورد مقدسات اختصاصی مذهب شیعه فقط به همین دو مورد باید اکتفا کرد. این احتمال با قواعد حقوقی از جمله قاعده تفسیر مضیق قانون به نفع متهم و قاعده شبهه و قاعده احتیاط نیز سازگار است و از بقیه احتمال‌ها نیز قوی‌تر می‌باشد.

با توجه به آنچه گفته شد دین مرتکب نیز تأثیری در مسئولیت وی ندارد. بنابراین اگر کافری به مقدسات اسلامی اهانت کند قابل تعقیب است، هر چند اعتقادی به آن نداشته باشد همان‌گونه که شیعه یا سنی بودن او نیز تأثیری ندارد. فقها در مورد مشابه این جرم یعنی سب پیامبر (ص) بر چنین مطلبی تصریح کرده‌اند و تفاوتی نگذاشته‌اند که سب‌کننده که کافر باشد یا مسلمان (۳۲) مستند ایشان روایتی از حضرت علی (ع) است که می‌فرماید: «بک زن یهودی پیامبر را شتم می‌کرد پس مردی او را خفه کرد و پیامبر خون

با توجه به آنچه گفته شد، مقدسات اختصاصی شیعه یا سنی را نمی‌توان مقدسات اسلامی محسوب کرد و مقدسات غیراسلامی نیز چنانچه با مقدسات اسلامی رابطه لازم و ملزومی داشته باشند در حکم مقدسات اسلامی هستند. مرتکب جرم اهانت به مقدسات اسلامی، تفاوتی ندارد که مسلمان باشد یا کافر و در صورت اول نیز تفاوتی میان شیعه و غیرشیعه نیست. هر چند این احتمال نیز غیرموجه نخواهد بود که اهانت شخص شیعی به مقدسات مذهب تشیع یا اهانت شخص سنی به مقدسات مذهب سنت، اهانت به مقدسات اسلامی باشد، زیرا مقدسات هر مذهبی نزد پیروان آن مذهب، همان مقدسات اسلامی است.

*اهانت به مقدسات از طریق مطبوعات:* طریق شایع اهانت به مقدسات اسلام، اهانت از طریق مطبوعات می‌باشد که در این زمینه به چند نکته باید توجه داشت:

**الف) مسئولیت مدیر مسئول:** به موجب ماده ۳۰ قانون مطبوعات، هرگاه نشریه‌ای مطالبی مشتمل بر تهمت یا افتراء یا فحش و الفاظ رکیک یا نسبت‌های توهین‌آمیز را منتشر کند، مدیر مسئول آن جهت تعقیب و مجازات به محاکم قضایی معرفی می‌شود. در این ماده مشخص نشده است که مجازات مدیر مسئول چیست؟ یک احتمال آن است که مدیر مسئول نیز به مجازات مباشر اهانت به مقدسات اسلامی محکوم شود زیرا او نیز با انتشار مطلب توهین‌آمیز، مرتکب اهانت به مقدسات اسلامی شده است. این احتمال ضعیف است زیرا شرایط این جرم در مدیر مسئول فراهم نیست و قصد اهانت یا به کار بردن الفاظ اهانت‌آمیز وجود نداشته است. احتمال دیگر آن است که مدیر مسئول به عنوان معاون جرم قابل تعقیب باشد اما ایراد این احتمال نیز آن است که عملیات مدیر مسئول پس از تحقق اهانت است و اصولاً وحدت قصد میان نویسنده مطلب و مدیر مسئول وجود ندارد. احتمال سوم که احتمال موجهی نیز به نظر می‌رسد آن است که مدیر مسئول، مشمول ماده ۳۵ قانون مطبوعات قرار گرفته و به جزای نقدی محکوم شود، ماده مرقوم آورده است: «تخلف از مقررات این قانون جرم است و چنانچه در قانون مجازات اسلامی و این قانون برای آن مجازات تعیین نشده باشد متخلف به یکی از مجازات‌های ذیل محکوم می‌شود:

ب - تعطیل نشریه حداکثر تا شش ماه در مورد روزنامه‌ها و حداکثر تا یک سال در مورد سایر نشریات.

ب) مرجع رسیدگی: در مورد نحوه دادرسی و مرجع رسیدگی به جرم اهانت به مقدسات که از طریق مطبوعات صورت می‌گیرد، باید به ماده ۳۴ قانون مطبوعات نیز توجه داشت: «رسیدگی به جرایم مطبوعاتی با توجه به قوانین مربوط به صلاحیت ذاتی می‌تواند در محاکم عمومی یا انقلاب یا سایر مراجع قضایی باشد. در هر صورت علنی بودن و حضور هیأت منصفه الزامی است.

تبصره - به جرایم مطبوعاتی در محاکم صالح مراکز استان‌ها رسیدگی می‌شود. به موجب این ماده لازم نیست که به جرایم مطبوعاتی منحصرأ در دادگاه عمومی رسیدگی شود بلکه به جرایم روحانیون در دادگاه ویژه روحانیت، به جرایم علیه امنیت کشور در دادگاه انقلاب، به جرایم نظامیان در دادگاه نظامی و به جرایم افراد دیگر در دادگاه عمومی رسیدگی می‌شود، هر چند این ماده در خصوص مراجع غیردادگستری متعارض با اصل ۱۶۸ قانون اساسی می‌باشد زیرا در آنجا، رسیدگی به جرایم مطبوعاتی منحصرأ در صلاحیت دادگاه‌های دادگستری قرار گرفته است (۳۴).

### نتیجه

اهانت به مقدسات اسلامی یکی از جرایم پیش‌بینی شده در قانون مجازات اسلامی و قانون مطبوعات است که اگر چه در بسیاری از احکام و مقررات تابع اهانت ساده می‌باشد، اما قواعد خاصی نیز بر آن حکمفرماست که این قواعد را باید در منابع شرعی جستجو کرد. زیرا ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی و مستندات قانونی دیگر، واژه «مقدسات اسلامی» را به صورت کلی بیان کرده‌اند و تفسیر روشنی از آن ارائه نکرده‌اند. قضات نیز به دستور اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۲۱۴ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری تکلیف دارند به منابع شرعی مراجعه کنند. از آنجا که به دست آوردن مقررات مختلف این مسأله از منابع شرعی برای همه قضات امکان‌پذیر نیست، بنابراین تحقیقی مبسوط در این زمینه ضروری است تا راهنمای

برای تشخیص مقدسات اسلامی باید میان دین و آنچه که از دین استنباط می‌شود تفکیک نمود و فقط آنچه را دین خالص است جزء مقدسات آورد، مثلاً قرآن و سنت پیامبر، عین شریعت و دین است اما آنچه که به عنوان احکام فقهی و کلامی یا فلسفی از آیات قرآن و روایات، استنباط می‌شود جزء دانش بشری است و در نتیجه تقدسی هم ندارند، مگر اینکه ضروری دین یا مذهب شیعه باشد. همچنین مقدسات یکی از مذاهب اسلامی را که مورد انکار مذاهب دیگر است نمی‌توان جزء مقدسات اسلام دانست، هر چند در مورد مقدسات اختصاصی مذهب شیعه تردید وجود دارد زیرا مذهب شیعه، مذهب رسمی ایران است و از سویی احکام شرعی مذهب شیعه که مبنای تفسیر قوانین موضوعه می‌باشد باید از جانب همگان رعایت شود. اهانت به مقدسات اسلامی برخلاف اهانت ساده، فقط جرمی علیه افراد نیست بلکه اعتقادات، احکام و اشیاء نیز ممکن است موضوع این جرم قرار گیرند اما باید میان اینها و اساس اسلام رابطه لازم و ملزومی وجود داشته باشد به گونه‌ای که اهانت به آنها، اهانت به اصل اسلام تلقی شود. نکته دیگر اینکه اهانت به مقدسات اسلامی در صورتی مشمول ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی خواهد بود که عنوان مجرمانه خاصی مانند سب‌النبی یا ارتداد پیدا نکند بنابراین تفکیک میان این عناوین نیز مهم است.

### یادداشت‌ها

۱. ابن منظور، لسان العرب، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۵.
۲. حسین میرمحمد صادقی، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۱۵۶.
۳. ابراهیم پاد، حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه اشخاص)، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۷، ص ۴۹۳.
۴. عباس زراعت، شرح قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، ج ۱، نشر فیض، چاپ دوم، ۱۳۷۷، ص ۴۹۳.
۵. محمود معین، فرهنگ فارسی، موسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم، ۱۳۷۱، ص ۴۲۹۱.
۶. معمولاً حقوقدانان هنگام بحث پیرامون جرم اهانت به مقدسات اسلام، راه احتیاط را پیموده و به

به طور قطع قرآن مجید، وجود مبارک حضرت محمد (ص)، دختر گرامی ایشان حضرت فاطمه (س) و دوازده امام شیعیان، مرقد مطهر هر یک از شخصیت‌های مزبور که زیارتگاه پیروان دین مبین اسلام و همچنین مکه معظمه که زیارتگاه خداوند سبحان است از جمله مقدسات دین مبین اسلام می‌باشد. (ایرج گلدوزیان، حقوق جزای اختصاصی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هفتم، ۱۳۸۰، ص ۴۹۵).

۷. میرمحمد صادقی، همان، ص ۱۶۴.

۸. زراعت، همان، ص ۴۹۴.

۹. اکثر دانشمندان اصولی، شخص متجری را مستحق مذمت و مجازات می‌دانند، اما گروهی نیز وی را قابل مجازات ندانسته‌اند که مرحوم آخوند خراسانی از طرفداران نظریه نخست و مرحوم شیخ انصاری از مدافعان دیدگاه دوم است. (رک: علامه حیدری، اصول الاستنباط، ترجمه و شرح عباس زراعت و حمید مسجد سرائی، انتشارات فیض، چاپ هفتم، ۱۳۸۰).

۱۰. شیخ محمدبن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۸، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا، ص ۲۶۴.

۱۱. شیخ محمدحسن نجفی، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۴۱، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۲، ص ۶۱۰.

۱۲. نجفی، همان، ص ۴۸.

۱۳. بهاءالدین محمد بن حسن بن محمد فاضل هندی (اصفهانی)، کشف اللثام، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، قم ۱۴۰۵ ق، ج ۲، ص ۴۳۶.

۱۴. مرحوم علامه حلی در خصوص تحقق ارتداد به وسیله انکار ضروری دین می‌فرماید: «ارتداد گاهی با عمل حاصل می‌شود مانند سجده بر بت و پرستش خورشید و انداختن قرآن در نجاست و هر عملی که به صراحت بر مسخره کردن دین دلالت کند. و گاهی با سخن محقق می‌شود مانند سخنی که به صراحت بر انکار چیزهایی دلالت کند که ثبوت آن جزء ضروریات دین اسلام است یا به صراحت بر اعتقاد به چیزهایی دلالت کند که حرمت آنها جزء ضروریات دین اسلام می‌باشد اعم از اینکه از روی عناد باشد یا اعتقاد یا مسخره کردن.» (علامه حلی - قواعد الاحکام فی مسائل الحلال و الحرام، گردآوری شده در کتاب سلسله الینابیع الفقهیه توسط علی اصغر مروارید، موسسه الفقه الشیعه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق، ج ۲۳، ص ۴۳۵).

۱۵. محمدجعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، چاپ چهارم، ۱۳۶۸، ص ۴۱۷.

۱۶. ایشان در ادامه ضروری مذهب را نیز چنین تعریف می‌کنند: «آنچه که به اتفاق شیعیان، جزء دین اسلام است ضروری مذهب (یعنی مذهب از نظر شیعه) محسوب است مانند عدل الهی و

جنبه شرعی محض ندارد مانند ممنوعیت ضرر زدن به دیگران یا وجوب احترام به مالکیت دیگران و... در این موارد نمی‌توان گفت که هر کس ممنوعیت ضرر زدن به دیگران یا وجوب احترام به مالکیت شخصی دیگران را تمسخر کند، به مقدسات دینی اهانت کرده است بلکه منظور، ضروریاتی است که جنبه شرعی و دینی دارد مانند وجوب حج.

۱۶. حر عاملی، همان، ص ۱۷۹.

۱۷. نجفی، همان، ج ۴۱، ص ۶۰۲.

۱۸. حر عاملی، همان، ص ۵۶۵.

۱۹. نجفی، همان، ج ۴۱، ص ۴۴۱. به موجب نظریه نخست، مجازات منکر، به محض انکار صداقت پیامبر، قتل است اما در صورت دوم باید میان مرتد فطری و ملی تفاوت گذاشت زیرا مرتد ملی برخلاف مرتد فطری بلافاصله کشته نمی‌شود بلکه از او درخواست می‌شود که توبه کند و اگر توبه نکرد کشته می‌شود. همچنین باید میان زن و مرد قائل به تفکیک شد زیرا زن کشته نمی‌شود.

۲۰ و ۲۱. حر عاملی، همان، صص ۵۵۱ و ۵۶۱.

۲۲. حر عاملی، همان، ص ۴۶۰.

۲۳. نجفی، همان، ج ۴۱، ص ۶۰۰.

۲۴. حر عالمی، همان، ص ۵۵۷. شیعیان به پیروی از ائمه معصومین (ع) عقیده دارند که نه باید نظریه جبر را به کلی پذیرفت و نه نظریه اختیار را، بلکه باید راه میانه رفت (لا جبر و لا تفویض بل امر بین الامرین).

۲۵. حر عاملی، همان، ص ۴۶۰.

۲۶. ابوالصلاح حلبی، الکافی فی الفقه، گردآوری شده در سلسله الینابیع الفقهیه توسط علی اصغر مروارید، همان، ص ۷۴.

۲۷. حمزه بن علی زهره حلبی، غنیه النزوع الی علمی الاصول و الفروع، گردآوری شده در سلسله الینابیع الفقهیه توسط علی اصغر مروارید، همان، ص ۲۰۴.

۲۸. نجفی، همان، ج ۴۱، ص ۴۳۷.

۲۹. جبعی العاملی (شهید ثانی)، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة، مکتبه الداوری، قم، بی تا، ج ۹، ص ۱۹۴.

۳۰. حر عاملی، همان، ص ۴۶۲.

۳۱. گلدوزیان، همان، ص ۴۹۵.

۳۲. نجفی، همان، ج ۴۱، ص ۴۹۳ و علیرضا فیض، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام،

۳۴. ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ رسیدگی به جرم اهانت به بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری و جرایم علیه امنیت کشور را در صلاحیت دادگاه‌های انقلاب دانسته است. اما جرم اهانت به مقدسات اسلام نه از مصادیق جرایم علیه امنیت کشور به معنای خاص آن است و نه با جرم اهانت به دو مقام یادشده تطابق می‌کند. بنابراین رسیدگی به این جرم در صلاحیت دادگاه‌های عمومی است مگر اینکه از سوی نظامیان به عنوان جرم نظامی صورت گیرد که در صلاحیت دادگاه نظامی خواهد بود و یا اگر از سوی روحانیون ارتکاب یابد، در صلاحیت دادگاه ویژه روحانیت می‌باشد.